

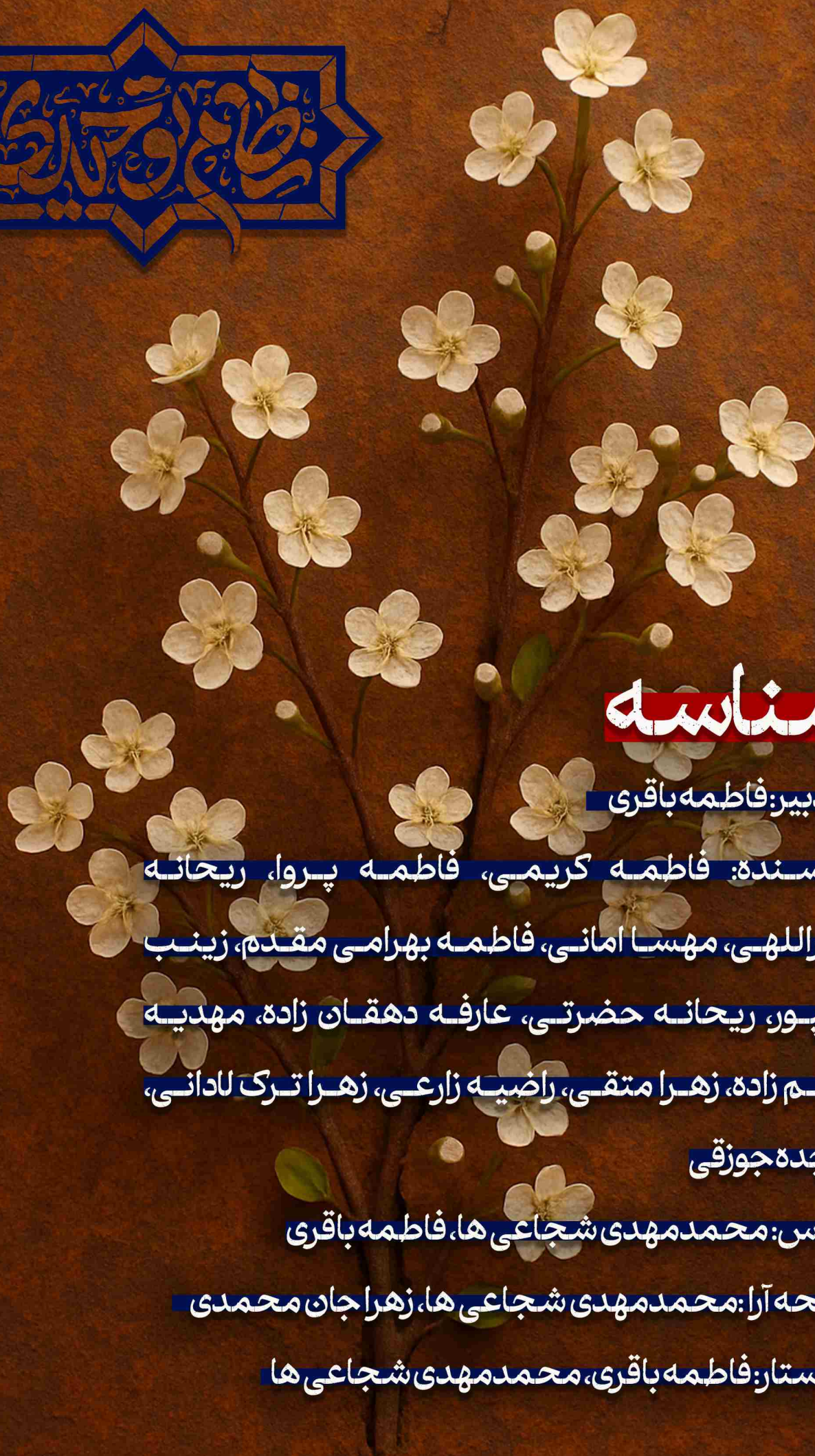
تحوّل

نظام و تدریس

ویژه نامه

نهمین دوره مقدماتی
نظام مباحث آموزش و پرورش

تابستان ۱۴۰۴



شناسه

سر دبیر: فاطمه باقری

نویسنده: فاطمه کریمی، فاطمه پروا، ریحانه

نصراللهی، مهسا امانی، فاطمه بهرامی مقدم، زینب

کرمپور، ریحانه حضرتی، عارفه دهقان زاده، مهدیه

قاسم زاده، زهرا متقی، راضیه زارعی، زهرا ترک لادانی،

ساجده جوزقی

عکاس: محمد مهدی شجاعی ها، فاطمه باقری

صفحه آرا: محمد مهدی شجاعی ها، زهرا جان محمدی

ویراستار: فاطمه باقری، محمد مهدی شجاعی ها

تن رنج دیده‌ی تمدن ما و طبیبان بیدار

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

همه را به سوی کلامی واحد بین ما و آن ها که از سوی خدا است، فرا می‌خواند.

دوره نظام توحیدی آموزش و پرورش یا همان نظام مباحث آموزش و پرورش، گامی است به بلندای یک دهه که از دل باورهای چکش خورده و گداخته شده مان بیرون آمده. آنچه را کف دست گرفته ایم، سوخته ایم و فریاد زده ایم، خواستیم به همگان بگوییم و نشان دهیم بلکه پس از سال ها گفتمان سازی و مطالبه گری، جمع هایی بزرگتر به وجود بیایند و از دل این جمع ها و روح های بزرگ، متفکران و مطالبه گران و عمل کنندگانی که رسالت معلمی را به دوش میکشند، برای پیاده سازی آن فکر و اندیشه، در روح آموزش و پرورش، تلاش کنند.

همانطور که قرن ها زمان برد تا تمدن باشکوه اسلامی و ایرانی و سیستم آموزش و پرورش ما افسرده و گوشه گیر و سپس بیمار شود، همانقدر و حتی بیشتر زمان خواهد برد تا این تن نحیف و رنجور، به دست پزشکان حاذقی که همان معلمان آگاه و عامل به تحول هستند، درمان شود و به زندگی واقعی خود برگردد.

دوره نظام مباحث تنها گامی اندک، اما به بلندای همت هزاران هزار نفر در طول یک دهه است. افرادی که دانستند هر آنچه قرار هست و نیاز است اتفاق بیفتد، تنها به دست خود ما و با تلاش و خون دل خوردن ها و نقش آفرینی های خود ماست، تا ابتدا تفکر نظام توحیدی و تحول خواهی در ذهن ها جاری شود. گفتمان سازی راه بیفتد، حلقه هایی متفکر و قوی از دل صحبت ها شناسایی شده و به مرور، همین حلقه های میانی، قطره قطره تبدیل به رودهایی شوند که هر کدام به دریای تحقق نظام توحیدی آموزش و پرورش و سپس به اقیانوس تحقق تمدن اسلامی و ظهور تنها منجی بشریت می‌پیوندند.

زندگی در بطن دوره نظام مباحث آموزش و پرورش روزی از جمع محدودی ایده ای نشأت گرفت که سرچشمه اش تفکر الهی بود، تفکری که میدانست چیزی در پازل زندگی معلمی و دانشجو معلمی و حتی زندگی مسلمانی مان گم شده، شاید هم به کناری رفته یا به زور و اجبار، سال ها به گوشه ای رانده شده است. زندگی توحیدی که در بطن زندگی هایمان علی رغم ادعاها وجود ندارد و زیست جمعی مان یوسف گمشده ای دارد که باید با آداب و تفکرو رفتار خاص دیگری، به زندگی هایمان برگردد.

ما خدا را بسیار میخوانیم و بسیار فریاد میزنیم اما آنچه در واقع باید زندگی کنیم، تنها یک عبارت است که همین عبارت، قصه ای به بلندای تاریخی از ازل تا ابد دارد، داستانی بلند به وسعت عمر و تلاش همه انبیا و اوصیا و اولیاء الهی که تنها در چند کلمه می‌آید: «لا اله الا الله»

سال ها است گشتیم تا ببینیم کجای زندگی در رسالت انبیاء گونه مان میتوانیم «به صورت حقیقی به هر آنچه غیر خداست نه بگوییم و به هر آنچه خدا در آن جاری و ساری است آری بگوییم»، آری ای از دل آگاهی و عمل که از درونش جوشش های فکر و عقیده و تلاش را داشته باشد.

بزرگترین و مهمترین معبود غیر خدایی که متأسفانه در لابه لای تک تک شهرها و خانه ها و مجموعه ها نفوذ کرده است و بلای تمدن سوز زندگی هایمان شده است، تفکری است که غرب را نه به عنوان یک محدوده خاص جغرافیایی، بلکه به عنوان یک جریان فکری قدرتمند و بزرگ، آقای همه تمدن ها و سرزمین ها و همه مردمانش می‌داند. سال ها طول کشیده است تا این موضوع در بین همه فکر ها و نگاه ها رسوخ پیدا کند و شاید سال های سال و حتی بیشتر طول بکشد تا این نگاه به سمت جریانی برگردد که هر معبودی غیر از خدا را نفی میکند و

افتتاحیه نهمین دوره مقدماتی نظام مباحث آموزش و پرورش



افتتاحیه نهمین دوره مقدماتی نظام مباحث آموزش و پرورش، با حضور جناب آقای میثاق شمسینی جانشین مسئول مرکز بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان و حجت الاسلام نخعی برگزار شد.

از نظم نوین جهانی دانستند که معلمان و دانش آموزان نقش پیشران آن را ایفا می‌کنند.

در ادامه، حجت الاسلام نخعی نیز با تأکید بر اینکه عرصه‌ی جنگ امروزی در حوزه اراده‌هاست، به نقش تربیتی نهاد آموزش و پرورش در ساخت اراده‌های تمدن‌ساز پرداختند.

ایشان با یادآوری نمونه‌هایی از تاریخ، همچون جنگ احد و قوم بنی اسرائیل، بر اهمیت تقویت اراده‌ها در مسیر الهی تأکید کردند و افزودند: محور شعار اربعین امسال باید بر تبری و مقابله با دشمن ترین دشمن خدا استوار باشد.

در آغاز این نشست، آقای شمسینی با اشاره به ویژگی‌های شهدای جنگ اخیر، دو شاخص مهم را برشمردند: نخست، نقش فعال شهدا در برهم زدن محاسبات دشمن و پرهیز از انجام امور بی‌تأثیر؛ و دوم، تلاش برای تقویت جایگاه ضمن فراهم کردن ابزارهای اطمینان بخش، که شهید فخری‌زاده نمونه ای بارز از این مسیر می‌باشند.

ایشان همچنین بر ضرورت تربیت چنین روحیه‌ای در نظام آموزش و پرورش تأکید کردند و آن را منوط به حب و بغض شدید و شناخت جبهه حق و باطل دانستند.

شعار «لا اله الا الله» را محور این دوره دانسته و آن را بیانگر نفی طاغوت و احیای توحید معرفی کردند. همچنین با اشاره به بیانات رهبر انقلاب، روند افول آمریکا و انتقال قدرت از غرب به شرق را نشانه‌ای



در افتتاحیه نهمین دوره مقدماتی
نظام مباحث آموزش و پرورش

آقای شمسینی

در ویژگی‌های شهدای جنگ اخیر دو مولفه بسیار مهم به چشم می‌خورد.
۱- آنان در تمام نقاطی که حضور داشتند، سعی می‌کردند تا محاسبات دشمن را به هم بزنند و کار مباح که بود یا نبود آن تفاوتی نداشته باشد، انجام داده نمی‌شد.

۲- موجب بسط ید ولی بودند: همواره تلاش می‌کردند تا ابزارها و امکاناتی که ولی را به اطمینان می‌رساند، فراهم کنند که نمونه برجسته و خاص این مورد شهید فخری‌زاده هستند.

● حال سوال این است که چگونه در آموزش و پرورش چنین خصلتی را ایجاد کنیم؟ ویژگی آدم‌هایی که اسطوره می‌شوند و خصوصیات بالا را دارند، حب و بغض شدید است و امروزه آموزش و پرورش باید جز شدیدترین حب‌ها و بغض‌ها باشد که با شناخت دقیق پیچیدگی‌های میدان امکان پذیر می‌باشد.
در مسئله‌ی تحول در نظام آموزشی نیز باید در این میدان سیاسی فهم شود که اولین اولویت شناخت جبهه خودی و جبهه‌ی دشمن است.
شعار و منطق دوره‌ی نظام مباحث توحیدی آموزش و پرورش لا اله الا الله به معنای نفی حاکمیت طاغوت و احیای توحید می‌باشد.
همچنین رهبری در دیدار با دانش‌آموزان مولفه‌های نظم‌نویین جهانی را فرمودند که شامل موارد زیر می‌باشد: فرهنگ مقاومت در حال توسعه است، آمریکا در حال افول است و قدرت از غرب به شرق منتقل خواهد شد.
این گفتگو بیانگر این مفهوم می‌باشد که دانش‌آموزان پیش‌بران و معلمان پیش‌وایان در حرکت تمدنی هستند.

امروز جنگ، جنگ اراده هاست.

حجت الاسلام و المسلمین "امین نخعی" در مراسم افتتاحیه خاطر نشان کردند

آموزش و پرورش توحیدی لا اله الا الله توسعه است، آمریکا در حال افول
به معنای نفی حاکمیت طاغوت و است و قدرت از غرب به شرق
احیای توحید می‌باشد. منتقل خواهد شد.

همچنین رهبری در دیدار با دانش این گفتگو بیانگر این مفهوم
آموزان مولفه های نظم نوین جهانی می‌باشد که دانش آموزان پیشران در
را فرمودند که شامل موارد زیر معلمان پیشوایان در حرکت تمدنی
می‌باشد. فرهنگ مقاومت در حال هستند.



روز دوم



دومین روز از این دوره با حضور "استاد ولدان" با محوریت تحلیل تاریخی

- ۱- فردگرایی: که با نادیده گرفتن نظم اجتماعی و نظم اشیا، منجر به از دست رفتن معنا و بُعد حماسی زندگی شده است.
- ۲- عقل ابزاری: که نگاه صرفاً کاربردی و منفعت محور به امور دارد.
- ۳- آزادی بدون قید: که با گسستن از سنت‌ها و ارزش‌ها، مفهوم آزادی را از معنا تهی کرده است.

● استاد ولدان تأکید کردند که برای شکل دادن به نظام آموزشی تمدن‌ساز، بازاندیشی در مبانی انسان شناختی و اجتماعی نظام مدرن، امری ضروری است.

تحول خواهان و نقطه عزیمت در مواجهه با مدرنیته ● در ابتدای جلسه، استاد ولدان با اشاره به سیر تحولات ۵۰۰ سال اخیر در غرب، آن را مبنای اساسی برای درک صحیح از وضعیت کنونی دانست و اظهار داشت: «همه تحول خواهان تاریخ، از یک نقطه عزیمت آغاز کرده‌اند و آن، فهم دقیق جهان مدرن و تعبیر آن است. بدون این فهم، کنشگری صحیح ممکن نیست.»

● وی سپس به یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های اندیشه اجتماعی پرداخت: نظم اجتماعی چگونه امکان پذیر است؟ و در ادامه، سه نگاه متفاوت به عامل حرکت انسان را برشمرد:

- ۱- ترس؛ که منجر به شکل‌گیری نظامات مبتنی بر استیلا شده است.
- ۲- نفع و طمع؛ که پایه‌گذار نظام سرمایه‌داری و جامعه بازار بوده است.
- ۳- عشق و محبت؛ که ریشه در نظامات اجتماعی انبیا و اولیا دارد.

از تغییرات فنی تا کالایی شدن همه ابعاد زندگی

● در ادامه، استاد به بررسی روند تغییرات تاریخی در غرب پرداخت و اظهار داشت: «تحولات نخست، فنی بود؛ که منجر به مازاد تولید و شکل‌گیری بازار و تجارت شد. در ادامه، با پیدایش طبقه کارگر و فردگرایی، کار فردی اهمیت یافت و بازار به کانون اصلی تأمین نیازها تبدیل شد؛ تا جایی که همه چیز تبدیل به کالا گردید.»

● ایشان در ادامه به نقش فناوری چاپ در گسترش روند دین‌زدایی اشاره و تأکید کرد: «افزایش تقاضا برای چاپ باعث شد دین‌پیرایی راحت‌تر و گسترده‌تر صورت گیرد.»

درک نیاز واقعی، پاسخ کاذب

● در بخش دیگری از سخنان خود، با تأکید بر اصالت تمامی نیازهای انسانی، یادآور شد: «هیچ نیاز غیر اصیلی در انسان وجود ندارد، اما پاسخ به این نیازها می‌تواند کاذب یا نادرست باشد.»

سه عارضه تمدن مدرن و تأثیر آن بر تربیت

● در بخش پایانی این نشست، سه عارضه اصلی جهان مدرن و تأثیر آن بر حوزه آموزش و تربیت مورد بررسی قرار گرفت:

روز سوم



حضور حجت الاسلام موسوی، معاونت پژوهش دانشگاه فرهنگیان

ویژگی نهاد آموزش و پرورش مدرن

آموزش و پرورش یک نهاد مدرن است که از بستری مدرن متولد شده است.

ایده نظام مدرسه‌ای که به صحنه عمل رسید در اساس به دنبال مقابله با نظام آموزش کلیسا بود. حال سوال این است که آیا نظامی که برای مقابله با دین به وجود آمده است می‌تواند برای دین و درکنار دین عمل کند؟!

سکولاریسم یا دین‌گریزی بر اساس امیال شخصی که روح تجلی یافته تمدن مدرن است در نهاد آموزش مدرن دیده می‌شود.

در این هنگام، مدارس که پشتیبان و پیشران هستند با هدف آموزش کارگر، سکولاریسم تربیتی را رقم زدند.

این خوانش زمینی از تربیت اخلاقی سکولاریسم اخلاقی نامیده می‌شود، هرچند که در حوزه توصیه‌های اخلاقی و دینی باشد.

این معنا، همان معنی دین‌گریزی بر اساس امیال شخصی است که بعضی از فضیلت‌های اخلاقی در

این تمدن پذیرفته می‌شود تا اهدافشان دنبال شود ولی برخی دیگر از فضیلت‌های اخلاقی پذیرفته نمی‌شود و برای داخل کتاب‌ها تهیه می‌شود نه صحنه عمل!

این سکولاریسم تا دسته‌بندی روش‌های تدریس پیشروی می‌کند

تا جایی که در تربیت سیاسی می‌بینیم که گفته می‌شود هیچ راهی غیر از دموکراسی وجود ندارد! دموکراسی به معنی حاکمیت مردم تنها خروجیش این است که ما باید پایبند به اکثریت باشیم تلقین دموکراسی در نهاد آموزش و پرورش اجرا می‌شود.

اما وقتی به تربیت دینی در نهاد آموزش و پرورش نگاه می‌اندازیم متوجه می‌شویم که تلقی وجود ندارد می‌گوییم مردم! این دین بودایی است، این دین اسلام است، این کفر است...

هر آنچه را خواستند می‌توانند انتخاب کنند. چون نباید ارزش گذاری کنید!

نظام آموزشی‌تان فارغ از ارزش باشد!

در صورتی که برای تربیت سیاسی چنین دیدگاهی را

قائل نیستند و انتهای تربیت سیاسی برتری یک مکتب می‌رسند.

مقاومت‌گیشی در برابر مقاومت‌گیشی



علوم انسانی موجود یکی از خصلت‌های پنهانش این است که مقاومت‌های علیه خودش را بر نمی‌تابد. تا جایی که اگر روزه‌گارودی، فیلسوف فرانسوی هم علیه هولوکاست حرف بزند، تبعاتی را باید به جان بخرد.

اما برای دین، داستان تکررگرایی را به راه می‌اندازد و می‌گوید از سوپرمارکت ادیان، همه دین‌ها را ببین و هر آنچه خواستی انتخاب کن.

رویکرد‌های نئولیبرالست‌ها، رویکرد‌های انتقادی، رویکرد‌های پُست مدرن و رویکرد‌های اسلامی به انتقادبرخواستند.

رویکرد‌های غیر اسلامی به رغم اینکه مقالات انتقادی می‌نوشتند اما چارچوب نظام آموزش مدرن را به هم نمی‌زد و آن را هدف اشاره خود قرار نمی‌داد.

اسلام ناب، از توحید معنای مقاومت را اخذ کرده و به توحید اجتماعی، هم در نظر و هم در عمل تحقق بخشید

در رویکرد‌های اول و دوم و سوم اگر چه به انسان

اهمیت میداد و انسان‌شناسی را سرلوحه قرار داد اما رویکرد چهارم نگاه هستی‌شناسی هم به این انسان‌شناسی اضافه می‌شود تا توحید اجتماعی را برای جامعه معنا کند.

حربه جدید دنیای مدرن برای مقابله با تربیت مقاومتی که توحید اجتماعی آن را دنبال می‌کند، پداگوژی تسلیم است.

غایت پداگوژی تسلیم همان بسندگی به وضعیت موجود است که با بسط چهار خصلت آن را دنبال می‌کند.

اول اینکه می‌گوید انسان بر عقیده برتر است. در صورتی که این دوگانه‌ی انسان یا عقیده از اساس اشتباه است. آیا می‌شود گفت انسان یا سراسر انسان؟ نهایت می‌گوید لازم نیست کسی فدای وطنش شود.

دوم اینکه حقیقت یا دست نیافتنی است یا وجود ندارد. دنبال این است که بگوییم هیچ چیز ثابتی وجود ندارد. از کجا معلوم که امام زمان می‌آید؟

سوم اینکه دیوار بین ارزش‌ها باید بریزد. می‌گوید به لحاظ ارزش‌شناسی نمی‌دانم ازدواج زن با مرد درست است یا مرد با مرد یا زن با زن! همه شما درست می‌گویید. دیواری بین حق و باطل وجود ندارد.

و چهارم اینکه ما باید جهانی بشویم! یعنی اینکه تمام تربیت‌های وطنی فرو بریزد. دیگر فرقی ندارد این خاک اسمش ایران است. مرزی وجود ندارد. ما همه یکی هستیم. فلذا اگر به مرز شما حمله شد، مقابله نکنید چون در مسیر جهان وطنی هستیم!

بررسی و گنگاش در ادبیات ظاهراً خنثی و گاه مثبت دنیای مدرن، موجب می‌شود خط سکولاریسم و مقابله با مقاومت در آموزش و پرورش رسمی کشورها شناسایی شود.

روز چهارم

نهمین دوره مقدماتی نظام مباحث آموزش و پرورش



روز چهارم با حضور حجت الاسلام محسن خاکی و جناب مجید شجاع

ضرورت خواندن تاریخ نظام آموزشی

شناخت تاریخ آموزش و پرورش ضرورتی اساسی است، زیرا ندانستن آن ذهن را بسته و امکان اندیشیدن و ایجاد تحول را از بین می‌برد. نظام آموزشی امروز، محصول مسیر طولانی ایده‌ها و تجربه‌های گوناگون است. اگر این ایده‌ها را نشناسیم، نمی‌توانیم به شکل‌های تازه‌ای برای آموزش و پرورش بیندیشیم. نگاه خطی به آموزش و پرورش، اجازه هیچ تحولی را نمی‌دهد. نمونه‌ای روشن از این اهمیت را می‌توان در آمریکا دید؛ جایی که نظام آموزشی به بازتولید اعتماد به سیستم موجود خدمت می‌کند و با شعارهایی مانند «رویای آمریکایی» مسئولیت موفقیت یا شکست را بردوش فرد می‌گذارد، نه ساختار.

آموزش و پرورش چیست؟

آموزش و پرورش صرفاً مجموعه‌ای از طرح‌درس‌ها نیست، بلکه پروژه‌ای تاریخی است که بدون فهم بستر شکل‌گیری‌اش نمی‌توان مسیر آینده آن را ترسیم کرد. این نظام برای پروژه‌ی دولت-ملت طراحی شد تا انسان‌هایی متناسب با این ساختار سیاسی و اجتماعی بسازد. ویژگی آن، عمومی، اجباری و دولتی بودن است و به همین دلیل مدرسه باید ملی باقی بماند بنابراین خصوصی‌سازی و واگذاری نظام آموزشی اشتباه است.

سیر تحولات نهاد آموزشی ایران:

در این بحث به پنج پرسش کلیدی پاسخ داده شد تا با نگاه به گذشته، بتوانیم آینده ای مطلوب را طراحی کنیم: چرا به بررسی تاریخ می پردازیم؟ تفاوت ها و شباهت های نظام آموزشی گذشته با نظام آموزشی فعلی چیست؟ چرا جامعه ایران مدرسه مدرن را انتخاب کرد؟ چرا در تحول در نظام آموزشی موفق نبوده ایم؟ برای تحول چه باید کرد؟

بخش اول:

برای شناخت چیستی پدیده های اجتماعی مانند آموزش و پرورش به بررسی تاریخ آنها می پردازیم. تاریخ ابزار مناسبی برای شناخت چیستی چرایی یک پدیده اجتماعی است. پدیده های اجتماعی دارای رفتار هستند که تاریخ به ما در پیش بینی رفتار پدیده ها کمک می کند.

بخش دوم:

نگاهی به نظام تعلیم و تربیت گذشته: آموزش به دو صورت عمومی (مکتب خانه) و تخصصی (مدرسه علمیه، نهاد فقیان) پیش از مدارس مدرن وجود داشت.

مدارس علمیه به عنوان یکی از نهادهای آموزش تخصصی با هدف تربیت متخصص، پیوند نهاد دین، آموزش و بازار، به صورت غیر الزام و براساس خواست اجتماعی عمل می کرد.

فتوت نامه ها به عنوان نمونه ای از نهاد آموزش تخصصی، دستورات و نوشته هایی برای زندگی عرفانی روزمره، مردانی تربیت کردند که به مشغول شدن در صنوف مختلف به تدوین نوشته ها و دستورات برای آن صنف می پرداختند.

همچنین در این بخش به تفاوت نظام آموزشی گذشته و فعلی در ویژگی هایی چون اهداف و کارکردهای نظام آموزش، چگونگی شکل گیری سازوکارها، ویژگی های معلم و مربی، میزان وابستگی به نهاد حاکمیت، عمومی و اجباری بودن آموزش و برنامه درسی پرداخته



جناب مجید شجاع

بخش سوم:

ورود نظام آموزشی مدرن به ایران: در این بخش ابتدا به جنگ های ایران و روس و اقدامات عباس میرزا به عنوان مقدمه ای برای ورود نظام آموزشی مدرن به ایران پرداخته شد. در نتیجه اقدامات عباس میرزا برای بازسازی ارتش ایران استفاده از اسیران جنگی برای آموزش، تلاش برای پیدا کردن یک متحد اروپایی، معاهده فینکشتاین و معاهده انگلیسی-ایرانی بود.

پس از مرگ عباس میرزا و متوقف شدن بخش عمده ای از برنامه اصلاحی او، اعزام دانشجو به اروپا در زمان محمدشاه قاجار ادامه یافت تا زمانی که اصلاحات در زمان ناصرالدین شاه توسط امیرکبیر دنبال شد.

بخش پنجم:

در ادامه بررسی به چگونگی تحقق تحول اشاره ای به
سیر تکوینی آموزش و پرورش جوامع مختلف شد:
دوره اول: فاقد نهاد تخصصی
دوره دوم: پیدایش نهاد آموزش جزئی
دوره سوم: آموزش همگانی
دوره چهارم: انفجار آموزشی
دوره پنجم: پرسش انتقادی
دوره ششم: جهانی شدن نهاد آموزش

و اما در پایان، چند اتفاق که در جهان رخ دادند
است:

- تغییر شیوه حکمرانی (از گاورنمنت به گاورننس): دولت
اختیارات خود را به دست سازمان ها و مجموعه های
غیر دولتی و خصوصی می دهد.
- شهروند جهانی و آموزش در پسا کرونا توسعه شدید
پلتفرم های مجازی برای آموزش
- کم رنگ شدن مرز آموزش های رسمی و غیر رسمی

و برای تحول، باید به ایده ای انقلاب اسلامی برای شیوه
ی حکمرانی و حرکت به سمت مردمی سازی توجه
داشت.

توجه به تربیت مدرسه، به عنوان جایی برای تربیت و
نه آموزش، تغییر در اهداف و کارکردهای مدرسه از نهادی
آموزشی به نهادی فرهنگی - اجتماعی برای تربیت، و
همچنین توجه به نقش معلم در تحول تربیت
ضروری است.



امیرکبیر دو هدف را دنبال می کرد:

- ۱- سامان بخشی و متمرکز سازی حکومت
 - ۲- کاهش مداخلات بیگانگان
- در نتیجه اقدامات امیرکبیر برای موفقیت در
اصلاحاتش، تاسیس مدرسه دارالفنون بود.

نظام آموزشی مدرن راه چاره ای برای جبران عقب
ماندگی ایران از غرب:
سه جریان در شروع نهضت مدارس جدید نقش
داشتند:

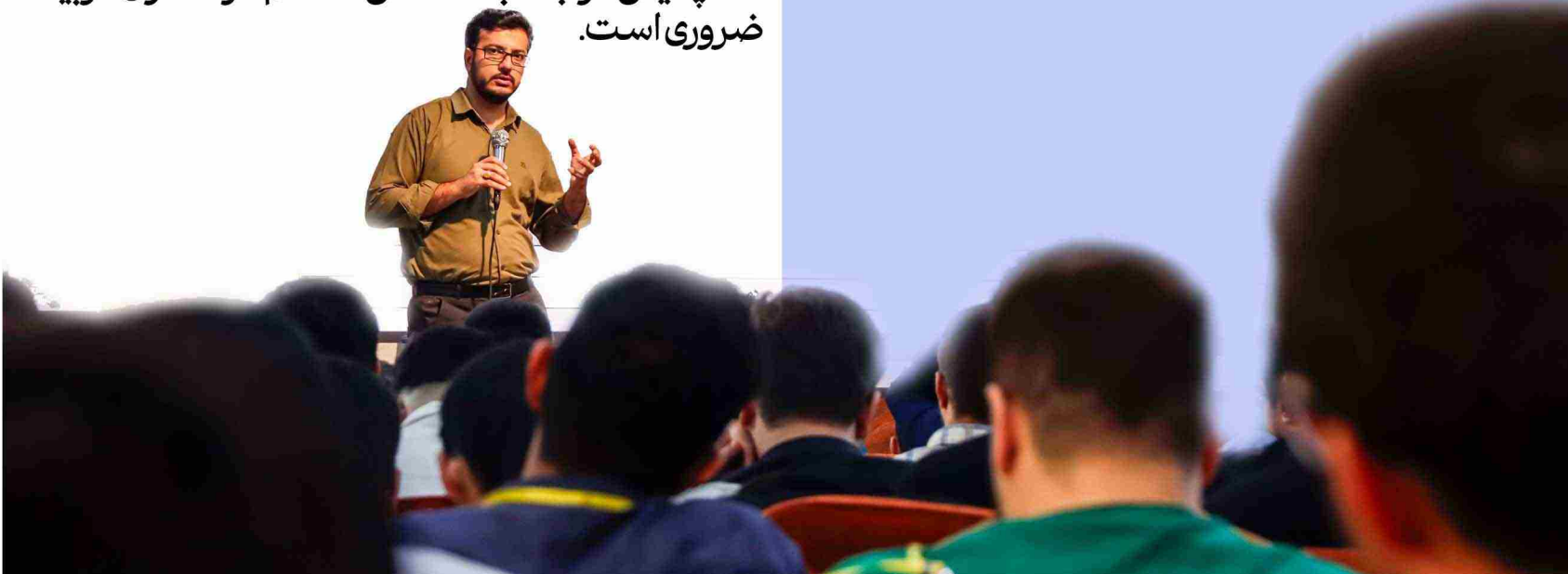
- ۱- مدارس رشدیه
 - ۲- انجمن معارف
 - ۳- مدارس میسیونری
- پس از آن به آموزش در دوران رضاخان اشاره شد و سه
هدفی که رضاخان دنبال می کرد:

- ۱- ناسیونالیسم
- ۲- سکولاریزیسم
- ۳- غربی سازی

بخش چهارم:

در این بخش به بررسی عواملی پرداخته شد که مبنی
بر موفق نشدن در تحول در نظام آموزشی بوده است:

- ۱- سطحی نگری در فهم تحول
- ۲- عدم توجه به ارتباطات نظامات اجتماعی
- ۳- عدم توجه به اقتضائات موجود در جامعه ایران
- ۴- مواجهه غلط در برابر غرب





روزپنجم

پنجمین روز از دوره نظام مباحث آموزش و پرورش در تاریخ ۵ مرداد ۱۴۰۴ برگزار شد. در این جلسه نسبت فرهنگ، تکنولوژی، حکومت و تمدن، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

فناوری و نوآوری؛ از ابزار تا شاخص تمدن

وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «تمدن بدون نوآوری شکل نمی‌گیرد. یکی از مهم‌ترین تمایزهای میان تمدن‌ها، فناوری و به‌ویژه معماری آن‌هاست. هر تمدنی، زبان خود را در معماری‌اش فریاد می‌زند. معماری، چهره بیرونی باورهای یک تمدن است و در بستر شهر معنا پیدامی‌کند.»

نوشتار؛ لحظه ثبت تمدن

استاد با اشاره به نقش نظام نوشتاری گفت: «تاریخ تمدن‌ها، از زمان پیدایش خط آغاز می‌شود. زمانی که

شهر؛ بستر تمدن یا نتیجه آن؟

در ابتدای این نشست، حجت الاسلام ره‌دار با اشاره به چیستی تمدن اظهار داشت: «شهر تنها یک زیستگاه نیست، بلکه جلوه‌ای از یک نظم اجتماعی پیچیده، تراکم جمعیت، فناوری و ساختارهای تخصص‌گرایانه است. آن‌چه شهر را از روستا متمایز می‌کند، نه صرفاً معماری، بلکه حضور نظام‌های حکومتی و تکنولوژیک است.»

وی افزود: «تفکری که بتواند تمدن بیافریند، پیش از آن که حکومت‌ساز باشد، فرهنگ‌ساز است. چرا که تمامی نمودهای تمدنی، در نهایت از معبر حکومت عبور می‌کنند و نیاز به سازمان‌دهی دارند.»

تمدن؛ عبور از خودکفایی فردی به تخصص‌گرایی اجتماعی

در ادامه، ایشان با تأکید بر تفاوت جامعه ساده با جامعه تمدنی گفت: «پیش از تمدن، هر فرد یا خانواده‌ای، خود عهده‌دار تمام نیازهای خویش بود. تمدن زمانی آغاز می‌شود که تخصص‌گرایی جای خودکفایی می‌نشیند؛ و انسان‌ها برای تأمین نیازهایشان به یکدیگر نیازمند می‌شوند.»



- ۲- نظام فکری و عقلی
- ۳- نظام علمی و معرفتی
- ۴- نظام سیاسی و حقوقی (عدالت محور)
- ۵- نظام اقتصادی (تولید، توزیع، مصرف)
- ۶- نظام فرهنگی و هنری
- ۷- نظام اجتماعی (طبقات و تعاملات)

استاد تأکید کرد: «تمدن بدون فرهنگ ممکن نیست. فرهنگ، نرم‌افزار تمدن است و تمدن، وجه سخت فرهنگ. فرهنگی که نتواند در عرصه قدرت، فناوری، اقتصاد و هنر خود را بروز دهد، فرهنگ کوتوله‌ای است.»

تقسیم قوا به جای تفکیک قوا

در بخش پایانی نشست، با تأکید در تفاوت نگاه تمدنی اسلام به ساختار قدرت، عنوان شد: «در نگاه اسلامی، تفکیک قوا مطرح نیست؛ بلکه تقسیم قوا وجود دارد. هدف نه استقلال نهادها، بلکه هماهنگی و هم‌افزایی در مسیر تحقق عدالت و توحید است.»



انسان توانست خودش را ثبت کند، تمدن آغاز شد. نوشتار، حافظه تمدن و گواه پایداری فرهنگی است.»

تعامل تمدن‌ها؛ از اخذ تا تصرف



در بخش دیگری از جلسه، شش رویکرد مختلف به رابطه با تمدن‌های دیگر مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- اخذ مطلق: پذیرش کامل تمدن غالب و کنار گذاشتن هویت خودی. این رویکرد در برنامه‌های توسعه‌ای رایج بوده و شکست خورده است.
- ۲- الهام: الگوبرداری بومی، مانند سبک مقاومت که از انقلاب اسلامی به دیگر ملت‌ها الهام داده است.
- ۳- استخدام: بهره‌گیری از عناصر تمدنی دیگر با بازتعریف جایگاه آن‌ها.
- ۴- گزینش: انتخاب گزینشی مؤلفه‌های تمدنی دیگر؛ رویکردی که به دلیل شبکه‌ای بودن تمدن، ناتمام می‌ماند.
- ۵- طرد مطلق: انکار کامل تمدن‌های دیگر، که معمولاً واکنشی احساسی و ناپایدار است.
- ۶- تصرف: بازتعریف و بومی‌سازی مفاهیم تمدنی وارداتی، تا جایی که به کل درگفتمان جدید حل شوند.

نظام‌های هفت‌گانه تمدن

در ادامه جلسه، هفت رکن تمدن به تفصیل تحلیل شد:

- ۱- نظام دینی (باور و ارزش‌ها)



حل مسئله؛ از ظاهر تا ریشه با حضور حجت الاسلام رحمانی

انسان؛ اختیاریا آزادی؟

استاد با اشاره به تفاوت بنیادین انسان‌شناسی غرب و اسلام گفت: «در منظومه غربی، آزادی معیار انسانیت است، اما در نگاه اسلامی، اختیار معیار تمایز انسان از سایر موجودات است. ما در جریان تعلیم نباید طوری عمل کنیم که اختیار متربی مخدوش شود. مداخله‌ی ما باید در جهت مدیریت انتخاب‌ها باشد، نه حذف آن‌ها».

عدالت؛ پسینی یا پیشینی؟

پرداخت: «در غرب، عدالت امری پسینی است که پس از دستیابی به رفاه برای عده‌ای، در قالب خیریه ظاهر می‌شود. اما در منطق اسلامی، عدالت پیشینی است؛ یعنی ما حتی مجاز به انجام کاری که منجر به ظلم شود، نیستیم. عدالت در نظام ما یک اصل بنیادین است، نه توصیه اخلاقی».

عاملیت فرد و جامعه؛ وحدت یا تقابل؟

در ادامه، به مسئله عاملیت پرداخته شد: «در مدل‌های رایج آموزشی، فردگرایی محور است؛ در حالی که در ادبیات دینی، عاملیت فرد و جامعه توأمان دیده می‌شود. مدرسه، کارخانه انسان‌سازی است؛ نه فقط در سطح فرد، بلکه در کلیت حیات جمعی آن. هر جزء در

در ابتدای این نشست، با اشاره به روش‌شناسی حل مسئله اظهار داشت: «هر مسئله، پنج لایه دارد: بازیگر، برنامه، ساختار، نظریه و پارادایم، و در نهایت ایده‌نظری. در حالی که بیشترین توجه جامعه معمولاً معطوف به لایه بازیگر است، آنچه واقعاً مسئله را شکل می‌دهد، لایه‌های زیرین به‌ویژه پارادایم و ایده‌نظری هستند».

اصلاح ریشه‌ای مشکلات گفت: «تنازع ما به سطح پارادایم نرسد، مسئله حل نمی‌شود. غرب در این‌جا توفیق یافته که نظریه و ایده‌ی خود را در میدان عمل نهادینه کرده است».

عقلانیت؛ بازخوانی از منظر اسلامی

در بخش دوم نشست، به تفاوت ساحت‌های عقلانیت در سنت اسلامی پرداخته شد: «عقل انسانی در نگاه اسلامی دارای چهار مرتبه است: هیولانی، بالملکه، بالفعل، و مستفاد. تمدن امروز بیش از هر چیز به عقل شهودی و مستفاد نیاز دارد، اما آنچه امروز رایج است، انباشت داده‌هاست، نه درک حکمت».

معلم تراز؛ امام تربیتی

در تبیین ویژگی‌های معلم در نظام تعلیم و تربیت توحیدی، سه خصیصه اساسی معرفی شد:

۱- معنویت

۲- ولایت عرضی (امامت تربیتی)

۳- استغفار

معلم در این نظام، نه تنها انتقال دهنده محتوا، بلکه الگوی قیام و عزم است.

مبنای انگیزش؛ منفعت یا رشد جمعی؟

استاد با نقد نظام انگیزشی منفعت محور گفت: «انگیزه در تمدن اسلامی، رشد جامعه است، نه سود شخصی. نقطه مقابل منفعت طلبی، تعاون است. جامعه‌ای که در آن همه نسبت به رشد یا افول مسئول اند، جامعه‌ای تمدن ساز است.»

دفاع مقدس؛ مدرسه‌ای از نوع دیگر

در پایان نشست، دفاع مقدس به عنوان نمونه‌ای موفق از نظام تربیتی مورد توجه قرار گرفت: «در دفاع مقدس رقابت بر سر فدا شدن برای ایران و اسلام بود؛ این یعنی اوج تعلیم و تربیت تمدنی.»

انسان مبارز؛ محصول تربیت توحیدی

وی در جمع بندی گفت: «ماهیت علم در نگاه ما، عرصه نبرد حق و باطل است. انسان اگر در میدان مبارزه تربیت نشود، سلطه پذیر خواهد شد. ملاک انسانیت عزم است و قله انسانیت‌ها، انسان عازم. پیامبران اولوالعزم الگوی نهایی ما هستند. معلم تراز خود قیام کرده و دیگران را به قیام دعوت می‌کند.»



● نگاه کل‌نگر به تعلیم و تربیت:

تعلیم و تربیت نباید صرفاً در سطح رابطه‌ی فردی بین مربی و متربی بررسی شود، بلکه باید در بستر تمدنی و نظام اجتماعی دیده شود. طراحی یک نظام آموزشی اسلامی، نیازمند درک عمیق از نسبت فرهنگ، ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی است.

● تفاوت رابطه اجتماعی و نظام اجتماعی

رابطه اجتماعی: کنش میان دو عنصر (مثل مربی و متربی). نظام اجتماعی: ساختاری مستقل از افراد با سازوکار درونی پایدار و هدفمند (مثلاً سیستم بانکی). بنابراین نظام تعلیم و تربیت مدرن یک ساختار پیچیده است که صرفاً با تغییر افراد دچار تحول نمی‌شود.

● نظام ارزشی و اولویت‌ها

نظام ارزشی، اولویت‌های فردی و اجتماعی را تعیین می‌کند. این اولویت‌ها سپس بر ساختارها و تصمیمات تأثیر می‌گذارند. در تعلیم و تربیت نیز، اینکه مثلاً «عدالت» اولویت باشد یا «بهره‌وری»، بر راهبردها و سیاست‌ها اثر می‌گذارد.

● نظام مدرن تعلیم و تربیت

ساختاری پیچیده و به‌روزشونده است که گرچه اصلاح‌پذیر است، اما این اصلاحات در راستای بهینه‌سازی خود سیستم مدرن است، نه تحول بنیادی آن.

● نگاه تمدنی و مبارزاتی

تحول بنیادین نیازمند نگاهی تمدنی است، نه صرفاً اقداماتی سطحی. باید سازوکارهایی طراحی شود که بتوانند بدیلی برای تمدن غربی بسازند. به قول امام خمینی، آنچه اهمیت دارد «هنری» است که با جریان باطل بجنگد؛ این نگاه را می‌توان به نظام تعلیم و تربیت تعمیم داد.

● نقد الگوبرداری از نظام‌های آموزشی غربی (مثل ژاپن یا فنلاند)

ایشان معتقد است این الگوها صرفاً انسان‌هایی را تربیت می‌کنند که در خدمت نظام سرمایه‌داری و فاقد روحیه ظلم‌ستیزی و استقلال فکری هستند.

● تأکید بر جهت‌گیری در تحول

تحول در آموزش و پرورش بدون تغییر در جهت‌گیری (مثلاً ظلم‌ستیزی، ایمان، عدالت‌محوری) بی‌معناست. حتی اگر ظواهر دینی حفظ شود، بدون این جهت‌گیری، نظام تربیتی اسلامی نخواهد بود.

● تصرف در مکانیزم‌های اداره

برای تحول واقعی، باید ساختارها و سازوکارهای نظام آموزشی در تمام سطوح (مدرسه، وزارت، سیاست‌گذاری) با رویکرد اسلامی بازطراحی شوند.

● نقش معلم:

معلم، حتی در نبود محتوای مناسب، می‌تواند با نیت و جهت‌گیری صحیح، اثرگذار باشد و نظام ارزشی اسلامی را منتقل کند.

دکتر سجاد صدیقی
روز هفتم



در نیمه دوم ۸ مرداد ماه ۱۴۰۴

سه جلسه با هدف بررسی نظام مسائل آموزش و پرورش در سه بخش منابع انسانی، برنامه درسی و چالش‌های مدیریتی در ساختار آموزش و پرورش تشکیل شد.

● نخستین جلسه در موضوع منابع انسانی با ارائه آقای حبیبی آغاز گردید. ایشان معتقد بودند که تحول از تغییر نگاه در نیروی انسانی حاصل می‌گردد. در ادامه به حلقه‌های میانی اشاره شد. حلقه میانی در تمدن نوین اسلامی به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که در راستای آرمان‌ها و اهداف چشم‌انداز تمدن فعالیت می‌کنند.

این افراد در نگاه رهبری شامل چهار ویژگی زیر هستند:

۱- صحنه شناسی ۲- تعیین جهت‌گیری

۳- ظرفیت شناسی ۴- حل مسئله

جناب ملاشاهی

در ادامه مسائل در نظام آموزش و پرورش به دو دسته کمی و کیفی دسته‌بندی شد.

در دسته کیفی تعدادی از آمار و ارقام اعم از تعداد معلمان، مدارس، مناطق آموزشی و ... مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در دسته کیفی تعدادی از مسائل مربوط فرآیندهای چهارگانه جذب، آماده‌سازی، حفظ و ارتقا و ارزشیابی مورد بحث قرار گرفت.

● در ادامه در جلسه برنامه درسی با مدیریت آقای ملاشاهی تشکیل شد.

به بیان ایشان مفهوم برنامه درسی اولین بار توسط فرانکلین بابیت در سال ۱۹۱۸ ارائه شد.

از دیگر مواردی که بیان شد تعبیر دکتر ملکی از مفهوم برنامه درسی بود.

برنامه درسی طرح از پیش تعیین شده دارای انعطاف برای یادگیری است

در ادامه بیان شد که دعوا و اختلاف نظر فلاسفه که در یک اتاق فرمان نامرئی نشستند؛ فرمان می‌دهند ولی دیده نمی‌شوند مربوط به برنامه درسی ابعاد آن (طراحی- اجرا- تدوین- ارزشیابی) است.

یکی از سازمان‌های اثرگذار در زمینه برنامه ریزی در آموزش و پرورش که به عنوان قلب تپنده آموزش و پرورش ایران از آن یاد می‌شود؛ سازمان پژوهش و برنامه ریزی است.

در ادامه بیان شد که برنامه

جناب رفیعی درسی جمهوری

اسلامی باید برش

تربیتی برنامه

پیشرفت کشور

باشد.

زمانی که پیشرفت

کشور مسئله

یک فرد باشد از

الف تا ی آن به آن

فرد مربوط می‌باشد و

باید در جریان مسائل و

اتفاقات رخ داده در آن

باشد.

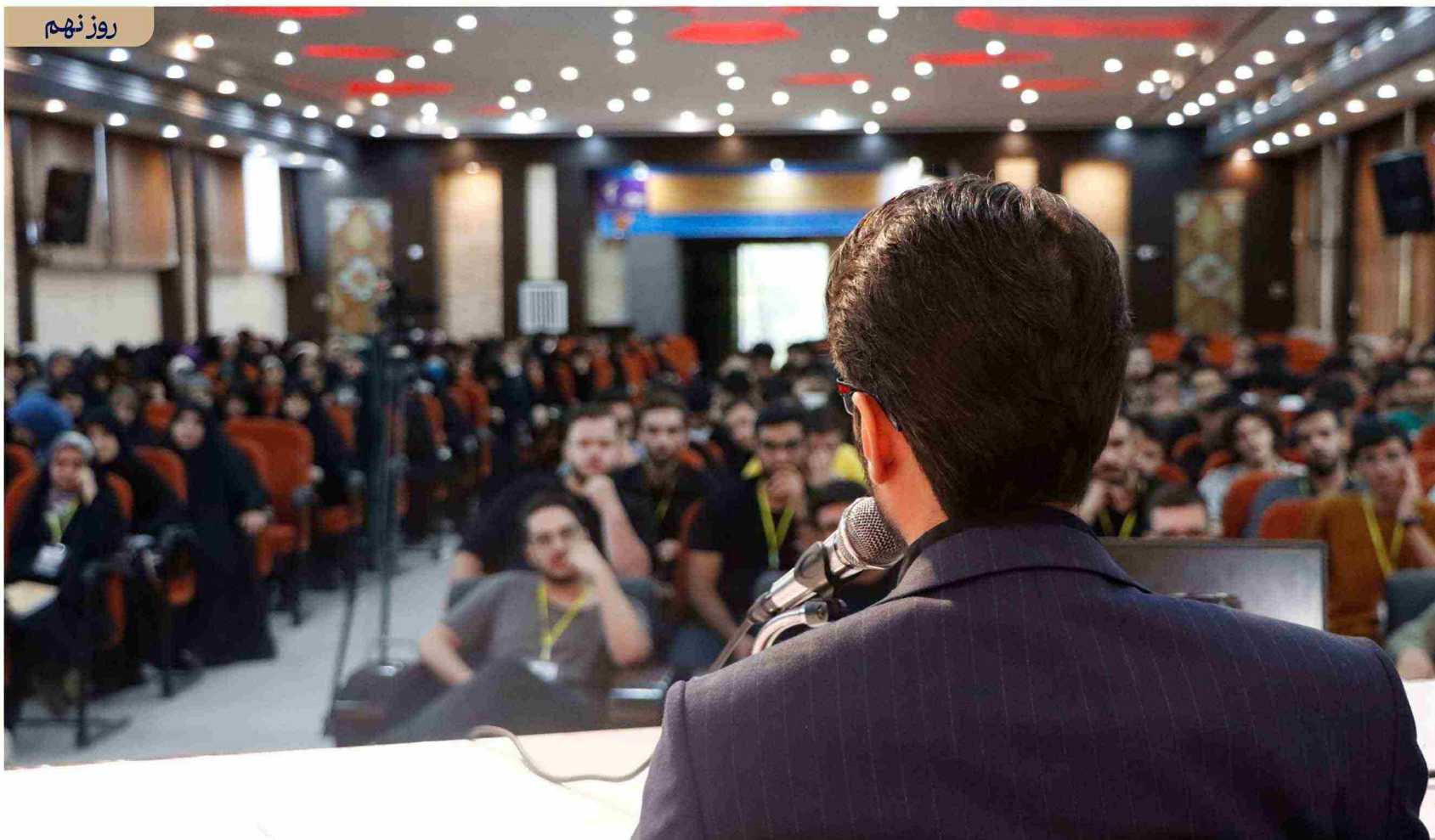
● در سومین جلسه با مدیریت آقای رفیعی چالش‌های مدیریتی در ساختار آموزش و پرورش ارائه گردید. رویکرد‌ها و نظریه‌های مدیریتی برگرفته از فلسفه‌های تربیتی است.

تعدادی از مسائل بیان شده در این بخش

۱. مدیریت اداری کنترل گر ۲. گرفتاری در دوگانه دولتی سازی_خصوصی سازی ۳. مواجعه منفعل در مقابل سازمان‌های بین‌المللی ۴. محدود سازی مشارکت به مشارکت‌های اجتماعی و ... می‌باشد.

روز هشتم: ساختار آپ، منابع انسانی و برنامه درسی

روز نهم



تحول نیازمند استمرار، پیوستگی و کنشگری گام به گام است.

انقلاب اسلامی باشد. ایشان ضمن اینکه سند تحول می‌تواند معیاری برای بررسی وضع موجود و مطلوب باشد اشاره کردند: سند تحول در افق تمدنی می‌تواند محافظ و سرپناهی برای مبانی تربیتی و ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد. سند تحول می‌تواند در مواجهه با اسناد استعماری بین‌المللی از ارزش‌ها حمایت کند و از ورود آنها و نفوذ در نظام آموزش و پرورش جلوگیری کند.

ایشان سپس به سیر طراحی و تدوین سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش پرداختند. ایشان سپس با اشاره به ارتباط میان مبانی نظری و سند تحول آموزش و پرورش و بررسی قسمت‌های سند تحول بنیادین پرداختند.

اگر بخواهیم به یکی از کارکرد های تربیت رسمی اشاره کنیم، می‌توان به بازتولید ارزش‌های حاکمیت اشاره کرد. در واقع نظام آموزش و پرورش هر کشور می‌بایست در صدد تربیت انسان شایسته بر طبق ارزش‌های آن حکومت برآید.

بازی تعلیم و تربیت اسلامی تربیت انسان مطلوب است.

استاد در ادامه سخنان‌شان به ضرورت وجود سند تحول بنیادین اشاره کردند. سند تحول می‌تواند میثاق مشترکی میان معلمان باشد و گفتمانی حول محور یک اراده جمعی را برای تحول بنیادین رقم بزند. از سویی می‌تواند چشم اندازی برای نشان دادن دوردست‌های



استاد رامشت در پایان بیان کردند: وقتی می‌گوییم مجری تمام و کمال سند تحول، معلم نیست به این معنی نیست که معلم در اجرای سند تحول نقشی ندارد. معلمان باید با آگاهی از سند تحول و زیرنظام های آن بدانند که آموزش و پرورش ما بر کدامین مبانی استوار است و باید به کدام سمت برود.

ایشان در بحث از آسیب شناسی سند تحول بنیادین در لایه تدوین، به مسئله تفسیر پذیری برنامه های سند، شاخص ناپذیری آن و تکثر برنامه های موجود اشاره کردند.

همچنین در آسیب شناسی اجرایی سند، به نا مشخص بودن متولی اصلی اجرای سند، نظام برنامه ریزی ناکارآمد و گفتمان سازی ضعیف به خصوص در میان معلمان اشاره نمودند



متن پایانی

شما در محاصره‌اید!

همین حالا که به این فکر می‌کنید «محاصره چی؟»، لنز دوربین روی شما زوم کرده است. ما هر دو در قایم و رصد می‌شویم. دارد ضبط می‌کند. اطرافتان را نگاه کنید؛ چیزی غیرطبیعی می‌بینید؟ بعید می‌دانم! سبک زندگی‌مان شده است. درون سرمان خیمه زده؛ سوژه قابش شده‌ایم. تنها از لنز بیرونی در محاصره نیستیم، بلکه وادارمان می‌کند خودمان را از بیرون ببینیم. فرم‌ها را با استنادارش جلو می‌بریم. به زبان آشنای خودش ترجمه‌مان می‌کند.

بی‌محابا دوربین را روشن کرده‌اند و بدون آماده و حرکت، ضبط! با نورپردازی استعمار، فیلترهای لیبرالیسم و تدوین توسعه‌گرایی.

آن‌جا که فکر و خیال شبیه‌اش شدن، خواب و خوراک اصالت را از ما ربوده بود و تیشه به ریشه خودمان زده بودیم؛ به ناگه چرخ جهان به دلخواهش نچرخید. دیگر مشمول گرم و عنایت خاصه ما قرار نگرفت. دستی از درون دوربین، با قیام لله، حلقوم دوربین را گرفت و انسان را از قاب اسارت بیرون کشید، راهی وادی معنا کرد. خدا بود و برکت دست وجود روح الله.

زد زیر میز بازی غرب خلاصه همه خوبی‌هاست! انقلاب اسلامی، قرص بی‌خیالی را از زندگی‌هایمان گرفت و پرسش تمدنی از غرب را برایمان فراهم کرد—پرسشی که قبلاً امکان‌ناپذیر بود.

غرب را نمی‌توان نادیده گرفت. زاویه و نمای دوربین او همواره به سمت ماست؛ اما انقلاب اسلامی، با خط ممتد شکستی بت‌های باطل، و با نور توحیدی‌ای که از دل ایمان و مسئولیت تاریخی می‌تابد، قدرت مواجهه‌ای فعال و متصرفانه را به ما بخشیده است.

انقلاب اسلامی، زمین بازی را تغییر داد؛ و اگر آموزش و پرورش، همچنان در همان زمین نفس می‌کشد، باید تحولی در تراز همان انقلاب، تجربه کند.

نظام مباحث نشان می‌دهد که آموزش و پرورش هنوز در بنایی نفس می‌کشد که با منطق غربی طراحی شده است؛ برای آن‌که هوای انقلاب اسلامی به شریان‌های آن وارد شود، باید این بنا از بنیاد بازخوانی گردد و نقشه تمدنی ساختمان‌ش از نو، در تراز حرکت انقلاب اسلامی، طراحی شود. با جهت‌گیری نسبت به باطل، باید طرحی نو برای آموزش و پرورش در اندازیم.

دوره نظام مباحث، شکستی خط مونتاز انسان‌سازی غربی است. دوره، صرف نیست؛ دوربینی است برای تغییر لنز نظری که منطق برخورد و رویکردش توحیدی است.

ده روز، فرصتی کوتاه اما یگانه؛ گفت‌وگوهای نفس‌گیر برای تولدی تازه.

ده روز، که با کلام اساتید، دریچه‌ای به قلب مسئله باز می‌شود.

جایی که یک خالی بزرگ و بنیادین، پشت سر آموزش و پرورش احساس می‌شود. در چشم دانش‌جو و معلمان و در دل کلاس‌ها و گردها، صدای شکستن قندیل‌های سوالات سطحی آموزش و پرورش به گوش می‌رسد. با زاویه‌ای تازه، بر سر اندیشه‌ای پای می‌فشارند—اندیشه‌ای که فهم می‌شود و قسمتی از آن، هر شب روی کاغذ نقش می‌بندد و کلیاتش بر بوتۀ ذهن تأثیر می‌گذارد.

نهال نظام توحیدی در آموزش و پرورش باید در ذهن و فکرمان قد بکشد. دوره مسیر آغاز رشته اتصال فهم مشترک است در معنا و مفهوم تحول، در افق حرکت انقلاب اسلامی؛ و نه در چارچوب‌های وارداتی. آن‌جا که دغدغه‌ها در عمیق شدن نگاه‌ها شناور می‌شوند؛ دوره نظام مباحث، بی‌پرده به قلب آموزش و پرورش می‌زند. و برای عمیق شدن بر مفاهیم نظام مباحث، دوره تداوم با رویکرد مطالعاتی، در جان نظام توحیدی ریشه می‌دواند.

به دوش کشیدن بی‌سروسامانی‌های آموزش و پرورش، جگرمان را ذوب می‌کند. آری، باید خون به جگر شد تا



آموزش و پرورش به آن رنگ و قوامی که می‌خواهیم، برسد. این پایان راه نیست؛ بلکه آغاز مسیری است که باید فهم‌ها از دل همین گعده‌ها و هم‌فکری‌ها و نشست‌ها، چون آتش زیر خاکستر، آرام آرام شعله‌ور شوند. و آن قدر حرارت گفت‌وگوها عمیق و بسیط شود که خود پوسته کهنه نظام آموزشی، از فشار ترک بردارد. و از همین شکاف‌ها، جریانی تازه برای تغییر مبدا محاسبه روانه شود. تحول یک شبه، که گاه به دهانمان بزرگ می‌آید، کار حضرت فیل است! تحول صرفاً نمی‌توان در دل بخشنامه‌ها جست؛ بلکه در اراده معلم‌ها و دانش‌جو و معلمانی است که با لنز توحیدی قیام کرده‌اند و پا به میدان تشکیلات نهاده‌اند.

تشکیلات، عرصه مبارزه‌ای است که فهم را از سطح ذهن، به حرکت در مسیر آرمان می‌کشاند؛ نه برای انباشت دانش، بلکه برای حرکت. این‌جا، فرد تمرین می‌کند چگونه در لحظه تاریخی وارد میدان شود—نه با شعار، بلکه با انتخابی که مسئولیت را بر دوش می‌گذارد. و این لحظه، اگر از جنس کربلا نباشد، فهم در ذهن می‌ماند و آرمان، در شعار.

معلم، صرفاً مجری برنامه درسی نیست؛ معلم، معمار تمدن و حامل لنز توحیدی است. و کلاس درس، میدان تربیت انسان تمدنی است. اما زمانی معنا می‌یابد که معلم، به لحظه وارد میدان شود و با انتخابش، تاریخ را تغییر دهد. و این جاست که زمان، تو را در دو راهی حرکت می‌نشاند: به سوی جام بلا؟ یا چشم میپوشی، و سرهای دیگری به نیزه می‌روند؟



تابستان ۱۴۰۴
مشهد مقدس

معرفی کتاب

عقل و سکون در حکمرانی

«عقل و سکون در حکمرانی» کتابی نوشته علی لاریجانی، سیاستمدار ایرانی است. این اثر در دسته ادبیات فلسفی-سیاسی قرار می‌گیرد و موضوع آن بررسی مفاهیم و اصول حاکم بر سیاست های کلی دولت های حاکم است. نویسنده در این کتاب تمرکز خود را بر نقش عقل در ساز و کار تصمیم‌گیری در نظام‌های سیاسی قرار داده است.

بیشتر مباحث مطرح شده در کتاب «عقل و سکون در حکمرانی» به تشریح سیاست‌های اعمال شده در ایران می‌پردازد و با نقد ساختاری شیوه حکمرانی در کشور را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده به این موضوع پرداخته که حکمرانی در ایران نه از منظر ساختار حکومت و نه از جهت روابط سایر نهادهای مدنی و مسئولیت آن‌ها در پیشرفت کشور بر یک مبنای فلسفی منسجم استوار نشده است.

همچنین لاریجانی با نقد قانون اساسی مساله ناکارآمدی آن را مورد بحث قرار می‌دهد و معتقد است که قانون اساسی از دو جنبه مبنای فلسفی و وضوح کافی برای ملت و دولت با مسائلی روبه‌رو است.

نویسنده در این کتاب ضمن تحلیل حکمرانی عاقلانه و پایدار در شرایط مختلف راهکارهایی برای بهبود نظام‌های مدیریتی ارائه می‌کند. همچنین بر اهمیت عقل و تفکر منطقی در تصمیم‌گیری های مدیریتی و سیاسی تأکید می‌کند و این نکته را یادآور می‌شود که حکمرانی موفق نیازمند تحلیل و ارزیابی دقیق مسائل است.

همچنین لاریجانی در بخش هایی که قانون اساسی کشور را مورد نقد قرار می‌دهد به این موضوع می‌پردازد که در اصول مختلف بر عدالت اجتماعی تأکید شده اما مراد از عدالت اجتماعی روشن نیست و جایگاه آن در توسعه ملی مدون نشده است. نویسنده در ادامه با نقد شاخص‌های بانک جهانی در حکمرانی خوب، نبود شاخص عدالت اجتماعی در عداد چند شاخص دیگر را ضعیف اصلی می‌شمارد.

عاملیت انسان رویکردی دینی و فلسفی

کتاب «عاملیت انسان، رویکردی دینی و فلسفی» نوشته خسرو باقری، به بررسی مفهوم عاملیت انسان از دیدگاه دین و فلسفه می‌پردازد. این کتاب به دنبال تبیین این مسئله است که انسان تا چه اندازه در شکل‌گیری سرنوشت خود و تغییر شرایط پیرامونش نقش دارد.

این کتاب به مفهوم عاملیت انسان می‌پردازد. به این معنا که آیا انسان‌ها توانایی انتخاب و عمل مستقل از عوامل بیرونی را دارند یا خیر. آیا ما صرفاً محصول شرایط هستیم یا می‌توانیم با اراده و تصمیم‌گیری خود، مسیر زندگی‌مان را تغییر دهیم؟

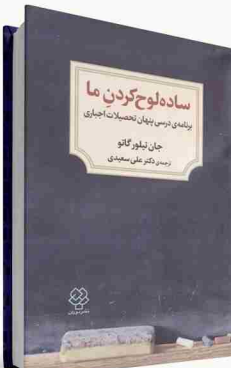
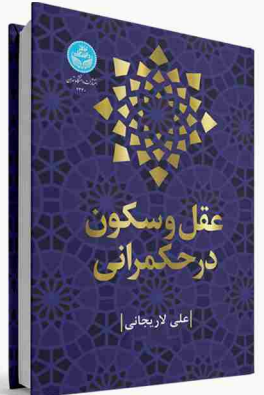
نویسنده در این کتاب، عاملیت انسان را از دو منظر دین و فلسفه مورد بررسی قرار می‌دهد. این بدان معناست که به جای تمرکز صرف بر یک دیدگاه، سعی شده است تا دیدگاه‌های مختلف در این زمینه مورد توجه قرار گیرند.

کتاب به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه آموزه‌های دینی می‌توانند به درک عاملیت انسان کمک کنند. آیا دین، عاملیت انسان را تأیید می‌کند و او را مسئول اعمال خود می‌داند؟ یا اینکه عاملیت انسان را محدود به مشیت الهی می‌داند؟

کتاب همچنین به بررسی دیدگاه‌های فلسفی مختلف درباره عاملیت انسان می‌پردازد. از جمله دیدگاه‌هایی که بر جبرگرایی و اختیارگرایی تأکید دارند.

کتاب در نهایت به بررسی کاربردهای مفهوم عاملیت انسان در حوزه‌های مختلف مانند تربیت می‌پردازد. این کتاب به عنوان یک مرجع برای کسانی که به دنبال درک عمیق‌تر از مفهوم عاملیت انسان هستند، می‌تواند مفید باشد.

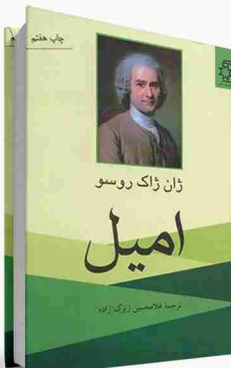
به‌طور خلاصه، این کتاب به دنبال پاسخ به این سوال است که انسان تا چه اندازه در زندگی خود و شکل‌گیری جهان پیرامونش نقش دارد و این نقش از دیدگاه دین و فلسفه چگونه قابل تبیین است.



ساده لوح کردن ما

کتاب ساده لوح کردن ما اثر جahan Tiliroo سعی دارد تا دید انتقادی متفاوتی نسبت به مدرسه در ذهن مخاطبان شکل دهد. اساساً شخص تا پیش از رسیدن به سن قانونی تحت تأثیر خانواده و سپس مدرسه است. در واقع از مدرسه معمولاً تحت عنوان خانه‌ی دوم کودکان و نوجوانان یاد می‌شود. پس باید پرسید که به‌واقع تا چه حد می‌توان به این نظام آموزشی تأثیرگذار اعتماد کرد و مدارس در چه مقیاس‌هایی ممکن است روح و روان کودکان شما را آزار دهند؟

می‌توان گفت این کتاب یک اثر هشداردهنده است. به‌طور کلی می‌توان گفت اکثر والدین نمی‌دانند در مدارس چه می‌گذرد. کودکان و نوجوانان معمولاً دوست ندارند تجربیات خود در مدرسه را با خانواده به اشتراک بگذارند. والدین نیز، از سر سهل‌انگاری یا کمبود انرژی، زمان خاصی را به بررسی زیست فرزند خود در مدرسه و بازنشانی معایبی که در نظام آموزشی وجود دارد، اختصاص نمی‌دهند. جahan Tiliroo گاتو در کتاب ساده لوح کردن ما بر آن است تا آن‌ها لهی مقدس و پذیرش بی‌چون‌وچرایی که والدین نسبت به مدارس دارند را از بین ببرد و به آن‌ها در مورد استراتژی‌های قدرت و ضعف‌های مهلکی که در این سیستم وجود دارد هشدار دهد. نویسنده به‌خوبی می‌داند که برای چنین ادعاهایی به ارائه‌ی مدرک، آمار و تحلیل نیاز دارد و به همین روی در این کتاب با بررسی‌های درخشان اورو به‌رو خواهید می‌شود.



امیل

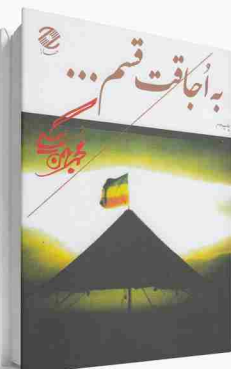
امیل یا آموزش و پرورش رساله ای است در مورد ماهیت آموزش و ماهیت انسان که توسط ژان ژاک روسو نوشته شده است. خود او آن را "بهترین و مهمترین" همه نوشته های خود می‌داند. در طول انقلاب فرانسه، امیل به اثری الهام بخش برای سیستم نوین آموزش فرانسه تبدیل شد. کتاب در پنج بخش تدوین شده است: مراحل مختلف رشد، ویژگی های اخلاقی کودکان، دروسی که باید تدریس شود، نقش آموزش نظری و تجربی، نقش ورزش در تربیت، و نقش جامعه و خانواده در تربیت. در این کتاب روسو با متفکرانی چون لاک و افلاطون وارد تعامل جدی می‌شود و جامع ترین گزارش خود را از رابطه بین خوشبختی و شهروندی، معلمان و دانش آموزان و زنان و مردان بیان می‌کند. این اثر به سوالات بنیادی سیاسی و فلسفی در مورد رابطه بین فرد و جامعه می‌پردازد - چگونه فرد می‌تواند خوبی ذاتی خود را در یک جامعه ی فاسد حفظ کند. جمله آغازین آن: "هرچیز تا زمانی که از دستان سازنده اش خلق می‌شود خوب است اما هنگامی که به دست انسان می‌افتد افول می‌کند".

اگر به تاریخ فرانسه، تاریخ آموزش یا زندگی عجیب روسو علاقه دارید این کتاب به شما توصیه می‌شود.

به اجاق قسم

چهارمین کتاب بهمن‌یگی است که خاطراتی را از سال‌های آموزش عشایر در خود دارد. خاطره‌ها، بسیار ساده و روان روایت شده‌اند. بیست و یک خاطره، ظریف و حوادتی را روایت می‌کنند که در این راه بر او گذشته است. عناوین این قطعات روایی چنین است: «چگونه»، «معلم پی تصدیق»، «بربال فرشته»، «آموزگار ایلی»، «مقررات دست و پاگیر»، «روابط ویژه»، «آموزش عشایر و زنان»، «غم و شادی»، «گرامت»، «گفت‌وگو در یاسوج»، «سیاوش»، «آموزش عشایر و زبان فارسی»، «آموزش عشایر و تغییر خط»، «به اجاق قسم، دیپلم ندارم»، «معافی نظام»، «آموزش عشایر و سازمان برنامه»، «خدمت و تهمت»، «جعبه علوم»، «سه تقاضا»، «چگونه شیراز مرکز آموزش عشایر شد»، «پرهیز از میز» و «بخارای من، ایل من». این قطعه آخر، مصاحبه‌ایست که مجله کلک در سال ۱۳۷۰ با او انجام داده است.

نثر این کتاب، روان و دلنشین است. سبک سهل و ممتنع سعدی در جای جای روایت های او به چشم می‌خورد. او در جایی از کتاب نقل می‌کند که در یکی از بازدیدهایش به خاطر کم توجهی به سعدی، از معلم و دانش آموزان او کله کرده است. این خاطره و نثر او هر دو نشان از تأثیر عمیقی دارند که بهمن‌یگی از سعدی گرفته است. همه این روایات، آموزشی هستند و علاوه بر زیبایی روایی، محتوای آن‌ها نیز برای خواننده امروزی دلکش است. تلاش برای ساختن و تغییر، درس بزرگی است که او بسیار ساده و در عین حال، ماهرانه به خواننده‌گان کتاب می‌دهد. علاوه بر خصوصیات گفته شده، نثر بهمن‌یگی پر نشاط و طناز است.



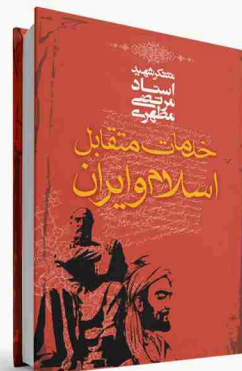
خدمات متقابل اسلام و ایران

خدمات متقابل اسلام و ایران از آثار مشهور مرتضی مطهری روحانی شیعه و استاد فلسفه و علوم اسلامی است. مطهری این کتاب را برای دفاع از اسلام در برابر ادعاهای عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب مشهور «دو قرن سکوت» نوشت.

مطهری در فصل اول این کتاب مفهوم ملیت ایرانی را مورد بررسی و مذاقه قرار می‌دهد و به‌طور مستند در مورد نحوه ارتباط ایرانیان با اسلام چه قبل و چه بعد از برخورد نظامی بین اعراب و ایرانیان می‌پردازد.

در فصل دوم با عنوان «خدمات اسلام به ایران» می‌نویسد که اسلام دینی نژادی نیست و منطبق با فطرت انسان‌ها است و اسلام با روح ایرانیان طوری در هم آمیخت که قابل جدایی نیست. گرایش ایرانیان به اسلام از روی اجبار نبوده بلکه با عشق به آموزه‌های اسلامی مثل عدالت و همچنین استعداد ایرانی‌ها برای پذیرش

اسلام بوده است. مطهری در این بخش به ادعاهای بعضی نویسندگان مبنی بر تحمیلی بودن اسلام به‌طور مستند پاسخ داده است. مطهری همچنین به این مسئله پاسخ می‌دهد که آیا ورود اسلام به ایران این کشور را در مسیر بهتری قرار داد و باعث رشد آن شد یا آن را به سمت تباهی و اختناق برد. او همچنین حضور ادیان غیر زردشتی در ایران از جمله مانوی و مزدکی و مسیحی و یهودی را بررسی می‌کند. در فصل سوم کتاب با عنوان «خدمات ایرانیان به اسلام» می‌نویسد که ایرانیان بیش از هر قوم دیگری استعداد و ابتکار خود را صادقانه در اختیار اسلام قرار دادند. او همچنین به جنبش‌های اعتراضی ایرانی در قبال مسائل اسلامی می‌پردازد و همچنین نقش ایرانیان در تبلیغ اسلام در سطح جهان و نمونه‌های فداکاری و جانبازی ایرانیان برای اسلام را بررسی می‌کند. در ادامه سیر پیدایش و گسترش علوم مختلف در جهان اسلام را توضیح می‌دهد و سپس نسل‌های مختلف فلاسفه و عرفای مسلمان را طبقه‌بندی می‌کند. در بخش بعدی با نام «ذوق و صنعت» به شاهکارهای صنعتی و هنری ایرانیان در دوره اسلام می‌پردازد و بخش آخر حاوی انتقادهایی از کتاب «دو قرن سکوت» زرین‌کوب است.



معادله الزام و اختیار در تربیت

این کتاب به موضوع حد و مرز الزام و اختیار در تربیت می‌پردازد. در مراکز آموزشی و تربیتی، حداقل دو سبک کلان مدیریتی تربیتی شیوع دارد که سبک اول با استفاده از همه ابزارات الزام و قرار دادن مخاطبان در سختی و فشار، قائل به شکوفایی و رشد حداکثری مخاطبین است و در مقابل سبک دوم از طریق معرفت بخشی و فرهنگ سازی و درونی سازی احساس مسئولیت، مخاطبین را به رشد، تشویق و رهنمود می‌سازد. طبیعتاً هر دو سبک، دلایل زیادی به در تأیید روش خود و نیز ضعف‌هایی بر طیف مقابل، روا می‌دارند. ابتکار جالب این کتاب، روش پرداخت به این دلایل است که آن را طی ۱۴ گفتگو به صورت رفت و برگشت در ۳۰ صفحه با قلمی روان، استدلالات و اشکالات و پاسخ‌های هر سبک به طیف مقابل را

مطرح می‌کند. اما یک نهاد آموزشی و تربیتی، میان این دو سرطیف در سبک تربیت چه کند و کدام را برگزیند؟ مهمترین نکته این است که این دوروش کلان، مانعه الجمع نیستند و راه‌های متعددی برای جمع میان این روش‌ها وجود دارد که این کتاب در ۱۰ صفحه ۶ راه حل ارائه می‌دهد. سپس کتاب به سراغ جوهر تربیت انسانی رفته و نقش عناصر موثر در آن از قبیل مجال آزاد و امکان تخلف، انواع جبر، انواع تبیین، نقش قانون، مهر و محبت در تربیت را به همراه نمونه‌هایی بیان می‌کند.





تابستان ۱۴۰۴

